

کنفرانس ها، دساتیر ، فیصله ها، توصیه ها

ونتیج آن

این موضوع بحیث یک مقاله مستند علمی توسط دانشمند محترم داکتر صاحب صمیمی در همین سایت به بحث گرفته شده که نهایت آموزنده بوده و همه جوانب را احتوا می نماید. من میخواهم انعقاد این کنفرانس ها را با نتایج و تأثیرات آن در کل بحیث جاده دو طرفه مورد بحث قرار دهم.

در طی دهه اخیر ما شاهد انعقاد ده ها کنفرانس و گرد همایی های بین المللی در ممالک مختلف غرض بحث و مذاکره پیرامون موضوعات وابسته به احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی افغانستان و توضیح موقف قوت های ذیدخل خارجی بودیم.

بعضی از این کنفرانس ها مترادف به ادامه تعهدات مالی ممالک کمک دهنده معضلات حادی که دامنگیر افغانستان است مورد بحث جدی قرار داده پیشنهاداتی را در زمینه ارائه نموده، من جمله مبارزه علیه فساد پهناور اداری، حکومت داری خوب متکی بر اصول شایسته سالاری، اهلیت و کفایت کاری و فراهم آوری زمینه تفاهم و صلح با قوت های مسلح مخالف بخش اهم این مباحث را می ساخت.

به این ارتباط در هر اجماع بر همکاری بی شایبه و صادقانه ممالک شامل منطقه و مخصوصاً دو کشور همسایه برای ایجاد زمینه در تأمین صلح و ثبات افغانستان جداً تأیید و تأکید بعمل آمده.

در کنفرانس لندن در پهلوی بحث روی سائر موضوعات بر ابتکار دولت افغانستان جهت سراغ راه حل سیاسی و مذاکره با مخالفین مسلح مهر تأیید گذاشته شده و هزینه های هنگفت مالی از طرف بعضی کشور ها غرض تعقیب این هدف به حکومت افغانستان پرداخته شد، در مجموع در کلیه جلسات بین المللی به ارتباط اوضاع افغانستان بلا استثنی از فساد اداری بحیث معضله مزمن و مانع اصلی ایجاد تغییرات بنیادی و اصلاحات لازم در ساحات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تذکر رفته. جانب افغانی که در همه جلسات حضور داشته تعهدات جدی به جامعه جهانی غرض اتخاذ تصمیم قاطع برای مبارزه علیه این وباء خانمانسوز سپرده است.

هر کنفرانس هزینه های قابل ملاحظه مالی را برداشته و مصارف هر کدام به ملیون ها دالر میرسد و لو که کنفرانس برای یک روز هم دائر شده باشد که اکثراً از کیسه میزبان تدارک گردیده.

در کنفرانس کابل که بتاریخ ۲۰ جولای سال ۲۰۱۰ عیسوی توسط حکومت افغانستان و ملل متحد دائر شد و بنام اعتبار بخشیدن دولت بین مردم مسمی گردید، کش نوی پیش پای حکومت افغانستان گذاشته شده و کارت هویت جدیدی به سینه کرتی شان تعلیق شد و برای اولین بار جامعه

جهانی سر خمار آلود رهبری حکومت افغانستان را از زانوی پر لطف خود برداشته بر متکایی مسئولیت خودی گذاشت ، صدا های آماده بودن افغانستان برای کسب حق مالکیت در همه امور ، احراز مقام رهبریت افغانی در تفکیک و تصنیف نیازمندی های ملی و مدیریت و نظارت افغانی در دریافت کمک ها و قرضه ها و کفایت بلند ظرفیتی مؤسسات در مصارف بلند شد . از آمادگی کامل برای تأمین هدف مالکیت افغانی و توانمندی طرح ریزی های کدر های ملی و قدرت شناسایی نیازمندی ها بر مبنای تعیین اولویت ها و رجحانات اقتصادی و اجتماعی سخنرانی ها صورت گرفت. برای ایفای تعهدات در زمینه ایجاد رسم بازخواست و جواب گویی ، قانونمندی و مبارزه ضد فساد شیپور های تکان دهنده بصدا در آمد. ما مردم ساده دل و خوش باور در درون و بیرون مملکت به نیروی های خلاقه ملی امیدوار و این بیانات را گشایش صفحه نوینی در افغانی شدن امور پنداشتیم. دلچسپ تر اینکه برای تحقق این آرمان های ملی ضرب العجل صد روزه تعیین شد ولی من و تو نظاره گر دست زیر الاشه گذشت شش صد روز را دیدیم و آثاری از عملی شدن این لاف ها و پتاق ها را ندیدیم.

کنفرانس بین المللی توکیو که به میزبانی دولت جاپان بروز یکشنبه هشتم ماه جولای سال دوهزارودوازده عیسوی دائر گردید، و به چارچوب نظام جوابدهی دو جانبه مسمی شد و در آن هفتاد کشور و مؤسسات بین المللی اشتراک داشتند. جامعه جهانی تعهد کمک شانزده بلیون دالر را برای چهار سال آینده به افغانستان وعده سپردند. این بار پرداخت کمک مقید به پیمانه مؤفقیت دولت افغانستان در راه مبارزه علیه فساد گردید ، یعنی این بار موقف و لحن کنفرانس در امر مبارزه با فساد توسط دولت افغانستان جدی تر و شدید تر حدس زده می شد. و از ورای بیانات چنین استنباط گردید که تصامیم این کنفرانس بزبان دیپلماسی این بار پیشنهاد نبوده بلکه فیصله نامه پنداشته می شود و احتمالاً کمترین سهل انگاری دولت افغانستان در ایفای تعهداتش بهانه خوبی برای ممالک کمک دهنده فراهم نموده موجب توقف کمک ها میگردد، بقرار معلوم دولت افغانستان زیر ذره بین نظارت جامعه جهانی قرار خواهد گرفت.

لازم می افتد تا این کنفرانس های متعدد پر زرق و برق را با مصارف هنگفت آن از حیطة بیانات رسمی تهیه شده قبلی نمایندگان دول و هیأت های مؤسسات بین المللی بیرون کرده نتایج هر یک را در تعمیل توصیه ها و فیصله نامه های آن مورد ارزیابی قرار دهیم. طبعاً یک گرد همایی به این شکوه ، جلال و عظمت اهداف مهمی در قبال دارد که نیل به این اهداف و یا تعقیب جدی رسیدن به آن بحیث معیار مؤفقیت، مفیدیت و موثریت کنفرانس محسوب شده میتواند . ورنه اگر کنفرانسی صرف بمنظور تشریفات و تبادل بیانات باشد عدمش به زوجود.

شواهد مؤثق و مستند در دست است که آلودگی به فساد از سرچشمه های کمک دهنده ممالک عضو ناتو و مؤسسات ذیدخل آن آغاز گردیده اصلاً یک فیصدی بزرگ کمک های تخصیصیه افغانستان توسط سیستم های عقد فرار داد های بزرگ و متدرجاً با قرار داد های دست دوم و سوم با الآخره از گاو غدودی به سر منزل مقصود رسیده و در آنجا با عقد قرار داد ها با زورمندان و مفسدین داخلی آخرین قطرات که از سر چشمه چون کلوله بزرگ برف لولیدن شروع کرده بود در پایان خط آخرین قطرات آن زیر آفتاب سوزان فساد داخلی تبخیر گردیده و چیزی که بطور مؤثر به نفع افغانستان تمام شود باقی نمی ماند.

چندی قبل در نیویارک تایمز خواندم که یک کمپنی بلجیمی که قرارداد تهیه مواد خوراکه را به عساکر امریکایی در افغانستان داشت وزارت دفاع امریکا را برای یک توزیع دوبار بدیهی ساخته و این تقلب شامل چندین بلیون دالر می باشد، سؤال اینجاست که آیا کمپنی بلجیمی بدون دستیاری شعبات و اشخاص وزارت دفاع امریکا حزأت چنین تقلبی را داشت؟ این خود نمونه کوچکی از فساد در کشورهای موطلایی ها و چشم آبی ها است.

رسم متداول فساد زیر عنوان تخصیصیه های عراق و افغانستان توسط خود مؤسسات عمده ذیدخل کمک دهنده بکلی مشهود بوده و تحقیقات توسط دفاتر تفتیش و مراقبت غارت شدن بلیون ها دالر را نشان میدهد.

آیا درین کنفرانس ها علاوه بر صدور دساتیر به حکومت افغانستان برای مبارزه علیه فساد اصلاً به موجودیت چپاول ها و غارت های بزرگ ممالک کمک دهنده و مؤسسات بین امللی تذکری صورت گرفته؟ و آیا رهکردی شفاف در زمینه توزیع کمک توأم با اصول جوابدهی و نظارت پیشنهاد گردیده؟

آیا کمکی که فیصدی قابل ملاحظه آن دوباره به کیسه سرمایه داران و کارپوریشن های غول پیکر جهان سرمایه بیفتد مؤثریت و مؤلدیت آن در حال کشوری که فقط ده سال شد سر از توده های خاک بیرون کرده چه خواهد بود؟

هیأت افغانستان اکثراً به رهبری شخص رئیس جمهور در هر کنفرانس از موجودیت فساد اداری و کمبود حکومتداری صالح در افغانستان انکار نتوانسته به آن اعتراف نموده اند و تعهد بکار بستن اقدامات جدی را برای محو فساد اداری نموده اند.

قبل از این که روی واقعیت های تلخ عینی به گفته صمیمی صاحب مملکت هندوکش بپردازم میخوام از یک اصل عمده یادآور شوم که نه در عوامل تولید از آن تذکار بعمل آمده و نه درمباحث علمی بحیث انگیزه واقعی اعمار مجدد شناسایی شده و آن عبارت از احساس راستین مسؤولیت و پیوند واقعی روانی یک ملت در برابر جمیع ویرانی ها و نا بسامانی است و آنرا میتوان عشق و علاقه سرشار یک ملت به سوئه آمادگی به ایثار و فداکاری برای اعمار مجدد کشور شان دانست، همان احساس بزرگ انسانی اروپایان و مخصوصاً ملت جرمنی برای باز سازی کشورشان که در تحت چه شرایط دشوار و چه محدودیت ها از توده های خاکستر و ذغال دوباره جرمنی را ساختند و همچنان ملت برده بار و فداکار جاپان که باآموختن از شکست و با غریزه سترگ حُب وطن جاپان با عظمت صنعتی را ایجاد و در صف هشت کشور نیرومند اقتصادی جهان احراز موقعیت کردند.

آیا این عنصر عمده و اساسی در قلب و دماغ دست اندر کاران و ارباب قدرت مملکت هندوکش «افغانستان» وجود دارد و در فقدان آن و لو که تریلیون ها دالر بازهم سرازیر شود امید بهبود خواهد بود مگر اینکه باز سازی افغانستان بدون مداخله افغان به دیگران اجازه داده شود.

چهار موضوع ذیل در بین مسایل دیگر به دلیلی مورد بحث قرار میگیرد که جامعه بین امللی مستقیماً در آن ذیدخل است، اگر این کشورها احساس مسؤولیتی در برابر مردم افغانستان ندارند و خود را مکلف به جوابدهی نمی دانند حداقل در برابر مالیه پردازان کشور های خود حساب دهند که

با مصارف بلیون ها دالر کمک های غیر نظامی دست آورد های شان در افغانستان چیست و برای بازسازی این مملکت جنگ زده و بحران زده چه کرده اند:

اول- امنیت :

اصلاً در نبود امنیت و دوام حملات مسلحانه و انواع فعالیت های تخریبی و دهشت افگنی و عملیات انتحاری و ایجاد ترس و اهرامه میان مردم از بازسازی، انکشاف، رفاه و آسایش سخن گفتن بیجا و بیمورد است نا امنی شیرازه زندگانی ملت را برهم زده و اعتبار و حیثیتی برای دولت میان مردم باقی نمی ماند و بحیث مانع بزرگ سر راه هرگونه تلاش انکشافی قرار میگیرد.

فعالیت های مسلحانه و ایجاد نا امنی ها در کشور بحث بسیار مغلق و کثیر الابعاد است و تنها در فعالیت های تخریبی گروه های چلیکی شناخته شده خلاصه نمیگردد.

تلاش های دولت برای ایجاد فضای مناسب تفاهم با قوت های مخالف مسلح و تشکیل شورا های عالی صلح و غیره همه نا فرجام و بی ثمر و خود فریبی و گشودن راه دیگر فساد اداری و سوء استفاده است.

چون دلایل نا امنی در افغانستان بحدی روشن و مبرهن است که هیچگاه مستلزم دانش و حکمت خاص نیست. نقش اساسی و کلیدی پاکستان در طرح و تطبیق فعالیت های تخریبی گشت و گشتار و ویرانی یک حقیقت غیر قابل انکار است ، پاکستان فقط و فقط منافع و اعمال نفوذ آینده خود را در افغانستان در ادامه فعالیت های مسلحانه همین مخالفین مسلح در زیر نقاب افراطیت و بنیاد گرایی میداند، پاکستان در موجودیت امن و ثبات افغانستان در برابر نفوذ روز افزون رقیب خود یعنی هندوستان خود را بازنده می بیند. افغانستان در موقفی نیست که پاکستان را تخویف و تهدید نماید و پاکستان با ابراز احساسات حسن همجواری و برادری و اشک و ناله رهبری افغانستان وقعی قائل نشده سراسر از خدعه و دروغ کار میگیرد.

یگانه مرجعی که مسیر تفکر پاکستان را تغییر داده میتواند متحدین ناتو و در رأس آن امریکا است . اینها آگاهانه مستشعر اند که قاتل اصلی پس پرده نیرو های شان در افغانستان پاکستان است و هیچنوع فعالیت نظامی در داخل خاک افغانستان بدون اذن و اراده پاکستان صورت نمیگیرد . پس نزد امریکا و متحدین توانمندی نظامی و مالی موجود است که پاکستان را یا از طریق دیپلوماسی یا نظامی حاضر به به همکاری مسالمت آمیز گردانیده زمینه صلح و ثبات و آرامش را در افغانستان پیش از خروج قوای شان مساعد گردانند.

اینکه بعضی از هموطنان ما به قوت های مخالف مسلح بنابر ملحوظات قومی و یا انگیزه های دیگر نام نهضت مقاومت ملی یا جبهه رهایی بخشی ملی ویا آزادیخواهان می بخشند، مختار اند ، اما حقیقت امر اینست که این گروه ها ساخته و پرورده و دستور گیرنده سازمان استخباراتی پاکستان بوده بحیث ابزار سیاسی و نظامی به نفع یک دولت متخاصم علیه منافع ملی افغانستان در فعالیت اند. با فهم ودرک این که امروز حلقات مفسد و جنایتکار در رأس دولت افغانستان قرار دارند و بصورت علنی خلاف منافع ملی دست اندر کارند اما مخالفین مسلح به هیچوجه گره کشای معضلات افغانستان پنداشته نمی شوند.

دوم- فساد اداری :

محو فساد در افغانستان کار ساده نیست و یافتن مردمی که با فساد مبارزه کند دشوارترین همه است. ایجاد دفتر بلند پایه بنام مبارزه علیه فساد اداری بدون اعطای صلاحیت های لازم و تعقیب قانونی مجرمین جزء عوام فریبی و جهان فریبی چیزی نیست. متهمین که دوسیه های شان بروی مدارک، شواهد و اسناد مؤثق ترتیب گردیده شامل اراکین بلند رتبه دولت و مردمان صاحب نفوذ و زورمند و یا وابستگان ارباب قدرت اند که کسی جرأت به محاکمه کشیدن شان را ندارد. چگونه با فساد سازماندهی شده که جزء فرهنگ اداری در آمده توسط خود مفسدین مبارزه کرد.

اما اگر رهبری سجدۀ سهو بجا آورده و تصمیم قاطع، جدی و صادقانه اتخاذ نموده تصفیه را از خانواده و وابستگان خود آغاز کند و به تطبیق قانون عادلانه همت گمارد گلیم فساد بر چیده شده و هراس باز خواست در دل زورمندان دارای سند معافیت راه می یابد. در غیر آن نصایح پدرانۀ کنفرانس ها جزء نوشتن بر صفحه یخ چیزی نخواهد بود.

بطور مثال یکی از شرکت کنندگان کنفرانس توکیو بنام آقای درانی اظهار داشت که والی یک ولایت برای اعمار یک پروژه آبیاری دوصد هزار دالر رشوه طلب نموده.

آقای عمر زاخیل وال از بنیاد الکوزی یک عراده موتر به قیمت یکصد و پنجاه هزار دالر قسم تحفه بدست آورده شخصی که بحیث نماینده افغانستان در کنفرانس توکیو نیازمندی های پنجسال آینده را ارائه کرد.

همانطوری که در بالا تذکر رفت فساد در مؤسسات کمک دهنده و توزیع کننده خارجی وجود داشته و در فساد داخلی هم سهم برارنده دارند. بناءً مبارزه با فساد از بیرون افغانستان باید آغاز گردد.

سوم - انکشاف اقتصادی :

داکتر صاحب صمیمی موضوع توزیع عاید و بکار بردن عاید سرانه را بحیث معیار رشد اقتصادی عالمانه توضیح نمودند.

ارقام ارائه شده صندوق وجهی بین المللی و دیگر مؤسسات بین المللی در مورد فیصدی رشد اقتصادی افغانستان اغواه گر و گمراه کننده است و معیار هایی مورد استفاده قرار گرفته که اصلاً از متن اقتصاد واقعی افغانستان تبارز نکرده . خلق عاید تصنعی واقعیت اقتصادی افغانستان را تمثیل می نماید که زاده و پرورده منابع ملی نیست. کمک ها از یک جانب و مصارف مؤسسات نظامی و ملکی ممالک و مؤسسات بین المللی از جانب دیگر عاید را خلق نموده که طبعاً این عاید مؤجد تقاضا گردیده ولی متأسفانه در نبود مدیریت سالم و دلسوز و تعقل اقتصادی و پیروی از سیاست لیبرالیزم افراطی اقتصادی این تقاضا بحیث قوه محرکه بجانب چرخ تولید ملی سوق نگردیده و برعکس متوجه بازار های امتعه استهلاکی منطقه گردید. توریذات بی حد و حصر امتعه استهلاکی و تجملی خارجی عواید گمرکاتی و مؤسسات خدماتی این بخش را تشکیل می دهد و این بزرگترین و عمده ترین مدرک عایدات دولت را می سازد که بدترین حالت اقتصادی یک مملکت است. عواید گمرکاتی امتعه تولیدی غیر مطمئن ترین منبع بوده تابع شرایطی است که هر آن مواجه به تغییر است.

صادرات ما تا هنوز شامل چند قلم محدودیست که بصورت عنعنوی در بازار های منطقه سودا میگردد و تابع شرایط اقلیمی است از لحاظ کمیت و کیفیت کدام افزایشی در صادرات بوجود نیامده.

گاز طبیعی که قبلاً استخراج میشد و صادر میگردید هنوز مدفون است و قرار داد های نوی برای استخراج مجدد آن عقد گردیده ، عاید معدن مس عینک تا هنوز در شاخ آهو بوده و استخراج معدن آهن حاجی گک و منرال ها ایجاب ملیارد ها دالر مصارف زیر بنایی را مینماید، لوله کشی گاز ترکمنستان شکل معمای سیاسی را بخود گرفته. پس اتکای دولت افغانستان در تأمین یک بخش مصارف نظامی و انکشافی بر همین منبع نا پایدار عواید گمرکی از طریق محصول اموال وارداتی استوار است .

درسنجش انکشاف اقتصادی یگانه معیار واقعی مطالعه روزگار یک خانوار افغان با تمام احتیاجات اولیه خوراک، پوشاک، سرپناه و دسترسی به وسایل طبی و معارف و ترانسپورت در ده سال گذشته است ،البته در برابر کدام عاید و استخدام چند عضو خانوار.

چهارم کشت کوکنار:

کشت کوکنار، تولید هیروئین و تجارت اسرار آمیز آن نه تنها فاجعه غم انگیز افغانستان را تشکیل میدهد بلکه بحیث یک معضله حاد بین المللی حیات ملیون ها جوان را در دنیا به نابودی سوق داده و شیرازه زندگی صدها هزار خانواده را از هم می پاشد. این فرهنگ نا جایز و غیر قانونی خود مؤجد فساد همه جانبه است.

در مبارزه علیه کشت کوکنار نه تنها سیاست های دولت افغانستان مورد سؤال است بلکه سیاست های متفاوت ، متغییر و غیر هماهنگ ممالک ذیدخل در قبال این فاجعه جداً قابل بر رسی است.

محو کشت کوکنار با ملیون ها دالر کمک و تخصیصیه های خارجی کار ناممکن نیست. منع کشت کوکنار نه به شیوه قهار و جبار نظام دهشتناک و هراس آفرین طالبانی بلکه بر مبنای سیاست های معقول و دیمو کراتیک بصورت تجربوی و تدریجی ولسوالی به ولسوالی بصورت مؤفقانه قابل تطبیق بود.

انگیزه واقعی زرع کوکنار در دو عامل خلاصه میگردد:

- 1- عاید بلند از فی واحد زمین زراعتی.
- 2- پیش پرداخت نقدی توسط جلاب و تاجر میانه رو.

پلانگذاران داخلی و خارجی با طرح ستراتیژی عملی اگر صادقانه به محو کشت کوکنار اقدام میکردند و پیوستن زارعین کوکنار را با مخالفین مسلح بهانه قرار نمی دادند، با زارع کوکنار قرارداد می بستند و او را رضا کارانه متعهد بطور مثال به کشت گندم می نمودند، عاید یک جریب زمین از کشت کوکنار سنجیده می شد و تحت این برنامه عین قیمت به حاصل گندم یک جریب زمین پرداخته می شد و بعوض پیش پرداخت نقدی تاجر تریاک باید به کروندگر تخم اصلاح شده گندم و کود کیمیاوی و یک مقدار معین پول نقد بطور پیشکی پرداخته می شد و متباقی پول در وقت حاصل برداشتن به زارع تأدیه می گردید .

البته که دولت گندم را به قیمت تریاک خریداری میکرد اما در برابر یک مبارزه ملی علیه محو این بلای تباه کن باید مراجع بین امللی و دولت این مصارف اضافی را قبول میکردند. بهمین ترتیب کشت محصولات دیگر چون انار، انگور و میوه جات که بازار صدور داشت بحیث تعویض

مناسبی برای کوکنار رونق پیدا میکرد البته با قبول مصارف بیشتر، دسپلین لازم، مراقبت دوامدار و شفافیت.

افغانستان و مراجع بین المللی برای حل این معضله باید این مصارف گزاف را که نتیجه مثبت و عملی داشت می پذیرفتند، در غیر آن تا حال ملیون ها دالر درین راه حیف و میل و ضایع گردیده و نتیجه مثبتی بدست نیامده و حال بهمان منوال باقی مانده.

پایان